



A T I Y E N O

شناسنامه
P R O F I L E

- صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه (وابسته به سازمان تامین اجتماعی)
- سردبیر: زیر نظر شورای سردبیری
- صفحه‌آرا: محمدرضا لری چی
- ویراستار: کوروش اشرفی
- طراح: مهرناز منتظریان
- نشانی: میدان آرژانتین، خیابان احمد قصیر
- خیابان دوازدهم، شماره ۲۲
- تلفن: ۰۲۱-۴۵۴۳۶
- تحریریه: داخلی ۱۳۸
- بازرگانی: داخلی ۱۲۲

www.atiyeno.ir

خبر
N E W S

۵۰ سالگی فیلم راننده تاکسی

نیم قرن بعد، ضدقهرمان نیویورکی همچنان عصبی، مودی و تنه‌است

پنجاه سال از وقتی تراویس بیکل با تاکسی زردش در نیویورک می‌چرخید گذشته‌است‌و‌هنوز همان ضدقهرمان عصبانی و خسته است که نمی‌توانیم چشم ازش برداریم. «راننده تاکسی» هنوز مثل یک آیینۀ خیس باران، ذهن تراویس را نشان می‌دهد و ما هم ناخودآگاه از خودش چیزهایی در آینه می‌بینیم. اگر امروز بود، احتمالاً وسط شب در فروم‌های عجیب و شبکه‌های اجتماعی دنبال هم‌قبیله می‌گشت و می‌گفت: «تو داری با من حرف می‌زنی؟»

نیویورک آن زمان پر از زیاله و نئون بود، مثل یک بازی ویدیویی قدیمی که همه جادشمن و تله دارد. تراویس از فساد منتفر بود، ولی از همان فساد رد می‌شد؛ یعنی اگر الان بود، احتمالاً لین کلیک کردن روی ویدئوهای عجیب و لایک کردن پست‌های جنجالی گیر می‌کرد. اومی خواست دیده شود، دوست داشته شود، شاید حتی یک دوست پیدا کند، اما بلد نبود از کجا شروع کند. تنها عشق واقعی‌اش اسلحه‌ها و فکرها ی خشنی بود که با آن‌ها خیال می‌کرد قهرمان است.

اسکورسبیزی با هر قاب و چراح نئون، ما را به داخل ذهن پرهیاهوی تراویس می‌برد. خیابان‌های تاریک، سینماهای پورنو، آدم‌ها و وحشت‌های خیابانی، همه از ذهن او آمده بودند. وقتی تراویس در آخر سه نفر از پای درمی‌آورد، دوربین از بالا نگاه می‌کند و انگار می‌گوید: «بین چه کار کردی، بچه!» و ما هم با همدلی و ترس، کمی هم با تعجب تماشا می‌کنیم.

فیلم نشان می‌دهد قهرمان بودن همیشه زیبا نیست، گاهی خشن و اعصاب‌خردکن است، گاهی حتی فان. تراویس هنوز همان است: تنها، عصبی، با تاکسی زردش وسط دود و نئون، با خودش حرف می‌زند و ما هم گوش می‌دهیم و می‌خندیم و می‌لرزیم. پنجاه سال گذشته، ولی او هنوز اینجاست، همان طور که همیشه بود.

و مثل همیشه، وقتی بیرون از پنجره نیویورک را نگاه می‌کنیم، فکر می‌کنیم شاید همه ما کمی تراویس داریم، یک تراویس کوچک در تاکسی ذهنمان، که می‌خواهد دیده شود؛ حتی اگر با خشونت و کمی طنز خودش را معرفی کند.



کودکان اینفلوئنسر: ابزارهای زندگی دیجیتال

لبخند و بازی کودکان در شبکه‌های اجتماعی گاهی ابزار درآمد والدین می‌شود؛ جایی که شهرت و لایک‌ها ارزش بیشتری از تجربه واقعی کودک دارند

مهشید مهدی‌زاده

روزنامه نگار

در عصری که شبکه‌های اجتماعی همه چیز را به صحنه نمایش بدل کرده، کودکان نیز به «کارگران دیجیتال» تبدیل شده‌اند؛ بدون اینکه کسی به آن‌ها یادآوری کند این کار واقعاً چیست. آن‌ها در مقابل دوربین لبخند می‌زنند، بازی می‌کنند، محصولات تبلیغ می‌کنند و لحظات شخصی‌شان را در معرض میلیون‌ها چشم قرار می‌دهند. اما پشت این تصویر شاد، پرسش‌های حقوقی، اخلاقی و روانی جدی نهفته است: آیا این کودکان واقعا انتخاب کرده‌اند که خود را در شبکه‌ها عرضه کنند یا برده‌های کوچک بزرگ‌ترهای‌شان هستند که پول و شهرت اینترنتی را بر کودکی آن‌ها ترجیح داده‌اند؟

کودکان اینفلوئنسر: بازی یا کار؟

کودکان اینفلوئنسر، معروف به «کیدفلوئنسر»، در چند سال اخیر تبدیل به پدیده‌ای جهانی شده‌اند. این کودکان در ویدیوها و پست‌های آنلاین ظاهر می‌شوند، از بازی و شوخی‌های روزمره گرفته تا تبلیغات و همکاری با برنده‌ها، و فعالیت‌هایشان اغلب توسط والدین یا مدیران حساب‌ها کنترل می‌شود. برای جامعه، دیدن کودکی که بازی می‌کند و سرگرم‌کننده به نظر می‌رسد، بی‌ضرر می‌آید، اما پژوهش‌ها نشان می‌دهد بسیاری از این فعالیت‌ها جنبه‌ای اقتصادی دارد و کودکان ناخواسته درگیر ساز و کارهای درآمدزایی شبکه‌ها می‌شوند؛ بدون نظارت قانونی و بدون امکان تصمیم‌گیری واقعی درباره کار خود. بسیاری از والدین نیز گمان می‌کنند که حضور کودک در اینترنت فرصتی برای خلاقیت و تجربه آموزشی است، در حالی که این تجربه اغلب تحت فشار زمان و توقعات درآمدزایی شکل می‌گیرد و خود کودک کمترین سهم را در تصمیم‌گیری دارد.

آن‌ها کودکی نمی‌کنند

یکی از بحث‌های اصلی، فقدان رضایت آگاهانه کودکان است. آن‌ها هنوز توان درک کامل پیامدهای نشر لحظات خصوصی خود در اینترنت را ندارند؛ بنابراین نمی‌توانند تصمیمی کاملاً آزادانه بگیرند. بسیاری از کارشناسان هشدار می‌دهند که انتشار

گسترده زندگی کودکان باید با مشارکت خود آن‌ها و رعایت حریم خصوصی انجام شود، چیزی که غالباً در پلتفرم‌های اجتماعی رعایت نمی‌شود.

آسیب‌های روانی شامل اضطراب، کاهش عزت‌نفس و اختلال در شکل‌گیری هویت است. کودکانی که مجبور به حضور دائم در فضای مجازی هستند، با پیام‌های منفی و مخاطبان بالغ نیز مواجه می‌شوند. بسیاری از والدین یا مدیران حساب‌ها، از ساختارهای درآمدی و تبلیغاتی پلتفرم‌ها آگاه نیستند که به طور سیستماتیک بهره‌برداری از فعالیت کودکان را تسهیل می‌کند. حتی زمانی که این کودکان بازی می‌کنند، اغلب در حال انجام کاری هستند که به‌شدت برنامه‌ریزی و کنترل شده است، نه تفریح واقعی.

اقتصاد توجه و درآمد پنهان

کودکان اینفلوئنسر نه تنها بازی می‌کنند، بلکه در اقتصاد توجه و درآمدزایی نقش مهمی دارند. حساب‌های آن‌ها تحت کنترل والدین یا مدیران، درآمد‌های تبلیغاتی و فروش محتوا را مدیریت می‌کنند و در مواردی، کودکان هیچ کنترلی روی این فرایند ندارند.

این درآمد بالا گاهی باعث می‌شود مشکلات استثمار پنهان بماند. حتی برخی والدین یا مدیران حساب‌ها اعتقاد دارند که شهرت و پول حاصل از فعالیت‌های دیجیتال کودک، ارزش بیشتری دارد تا تجربه واقعی کودکی. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از بزرگسالان این وضعیت را نوعی سوءاستفاده می‌دانند؛ نه سرگرمی یا آموزش. این واقعیت طنزی تلخ دارد: کودکی و درآمد در هم تنیده شده‌اند و گاهی تنها با لبخند کودک اندازه‌گیری می‌شوند. هر «لایک» و «فالو» می‌تواند به معنای فشار بیشتر برای کودک باشد و حتی شادی بازی‌های روزمره نیز رنگ پول می‌گیرد.

حق فراموش شدن و حمایت قانونی

در پاسخ به این چالش، مفهوم حقوقی «حق فراموش شدن» مطرح شده است: امکان حذف داده‌ها و تصاویر منتشر شده دوران کودکی تا کودک در آینده تحت تأثیر سمایق آنلاین قرار نگیرد. برخی کشورها قوانین ویژه برای مدیریت درآمد‌های

کودکان اینفلوئنسر و حمایت از حقوق آن‌ها وضع کرده‌اند تا از استثمار و سوءاستفاده جلوگیری شود.

با وجود این اقدامات محدود، بسیاری از کودکان هنوز در معرض فشار و توقعات بزرگ‌ترها قرار دارند و آزادی واقعی برای تجربه کودکی ندارند. این موضوع پرسشی اخلاقی، اجتماعی و حقوقی جدی است که جوامع باید پاسخ دهند: آیا کودکان اینفلوئنسر واقعا آزاد هستند یا برده‌های کوچک بزرگ‌ترهای خود در دنیای دیجیتالند؟ در بسیاری از موارد، حتی وقتی والدین نیت خیر دارند، ساختارهای اقتصادی و رسانه‌ای باعث می‌شوند کودک در مسیر دیگری حرکت کند؛ مسیری که کمتر به کودک بودن و بیشتر به سودآوری مرتبط است.

برده‌های کوچک یا بازیگران آزاد؟

وقتی کودک باید برای کسب درآمد و تعامل آنلاین هویت خود را عرضه کند و ارزش «لایک» و «فالو» جایگزین بازی و تجربه واقعی کودکی شود، دیگر نمی‌توان گفت او واقعا کودک است. او در مسیر یکی از بی‌سروصداترین شکل‌های استثمار مدرن گرفتار شده و حتی لبخند و بازی‌اش می‌تواند وسیله‌ای برای درآمد دیگران باشد. این واقعیت، طنز تلخ دیجیتال نامیده می‌شود: جایی که بازی و درآمد در هم تنیده‌اند و کودکی با قیمتی تعیین می‌شود. حتی کودکانی که در ظاهر شاد و سرزنده به نظر می‌رسند، گاهی تنها مجریان نقش‌هایی هستند که بزرگ‌ترها برای آن‌ها نوشته‌اند؛ نقشی که لبخند و خنده کودک در آن، کالای دیجیتال می‌شود. این پدیده، هشدار اخلاقی و اجتماعی است که نشان می‌دهد چگونه شهرت و درآمد می‌تواند تجربه انسانی و معصومیت کودکی را در هم بکوبد. کودکان اینفلوئنسر، در ظاهر سرگرم‌کننده و جذاب، در واقع درگیر پرسش‌های حقوقی، اخلاقی و روانی پیچیده هستند. حضور آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی با درآمدزایی، کنترل والدین و مدیران، و فقدان حمایت قانونی واقعی، تجربه کودکی را به کار و بهره‌برداری اقتصادی تبدیل کرده است. بدون استانداردهای اخلاقی و قانونی، این کودکان نه بازی می‌کنند و نه کودکی واقعی دارند، بلکه در یکی از بی‌سروصداترین شکل‌های استثمار مدرن گرفتار شده‌اند. شهرت و پول در دنیای دیجیتال گاهی بیش از تجربه انسانی ارزش پیدا می‌کند.

پزشکی نخوانید؛ ربات‌ها جراح برتر می‌شوند

ایلان ماسک وعده داده ربات‌ها ظرف سه سال جراحی را بهتر از انسان انجام می‌دهند، اما پزشکان هنوز آماده مبارزه‌اند

نیست! او افزود که سه سال زمان کمی نیست و شاید حتی بدبینانه در نظر گرفته شده باشد. نمونه اولیه اپتیموس در ۲۰۲۲ رونمایی شد و قرار بود مدل‌های تولیدی سال بعد آماده شوند، اما حالا هدف فروش ربات‌ها به ۲۰۲۶ موکول شده است. ماسک خوش‌بین است و می‌گوید که این ربات‌ها خیلی زود وارد اتاق عمل خواهند شد؛ حتی ممکن است جراحی‌ها را در سطحی انجام دهند که پزشکان انسانی فقط می‌توانند تحسین کنند.

آمریکایی، است. دیاماندیس کارآفرین شناخته‌شده و بنیانگذار انجمن «XPRIZE» است؛ سازمانی که جوایز بزرگی برای نوآوری‌های فناورانه تعیین می‌کند و از کسانی است که روی آینده هوش مصنوعی و تکنولوژی‌های پیشرفته تمرکز دارد.

ماسک با نگاهی طنز گفت که یادگیری پزشکی زمان‌بر است، دانش همواره در حال تغییر است و حتی بهترین پزشکان هم اشتباه می‌کنند. «چند جراح واقعا عالی وجود دارد؛ زیاد

یکشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۴ • شماره ۵۱۷

ت ن ک ت
P O I N T

آیا قرص‌ها شمارا سریع‌تر از جراحی لاغر می‌کند؟

این روزها وقتی حرف از کاهش وزن به میان می‌آید، دیگر نیازی به تیغ و اتاق عمل نیست، حداقل برای خیلی‌ها. داروهای جدید GLP-۱، مثل سماگلوتاید و تیرزپاتاید، مثل قهرمانان نوظهور بازار وزن وارد میدان شده‌اند و حالا تعداد کسانی که سراغ جراحی‌های باریاتریک می‌روند کمی کاهش یافته است. این داروها درست مثل همزاد هورمون طبیعی روده عمل می‌کنند: به مغز می‌گویند «بس کن، دیگر کافی است»، هضم غذا را کمی کند می‌کنند و انسولین را راضی نگه می‌دارند تا دیابت ناراحت نشود. تیرزپاتاید حتی یک بازی دو نفره اجرا می‌کند و با تقلید از هورمون دیگری به نام GIP، تلاش می‌کند وزن را بیشتر و بهتر پایین بیاورد. اما همه چیز برای همه مناسب نیست. این داروها معمولاً برای کسانی تجویز می‌شوند که شاخص توده بدنی‌شان حداقل ۳۰ باشد، یا حداقل ۲۷ با یک بیماری مرتبط مثل دیابت، فشار خون بالا، کلسترول بالا، یا حتی خواب مختل. جراحی هم قوانین خودش را دارد؛ قبلاً فقط کسانی که BMI بالای ۴۰ داشتند شانس عمل پیدا می‌کردند، اما امروز آستانه‌ها پایین آمده‌اند و حالا مرزها ۳۵ و ۳۰ است.

جراحی‌های کاهش وزن هم که با اسم‌های عجیب و غریبشان، گاسترکتومی آستینی و بای‌پس معده، گاهی ترسناک به نظر می‌رسند، در واقع کم‌تهاجمی هستند و معمولاً تنها یک شب در بیمارستان نیاز دارید. در هر دو روش، معده کمی کوچک می‌شود، اما نکته اصلی تغییر هورمون‌های روده‌ای است که به کنترل گرسنگی و متابولیسم کمک می‌کند؛ یعنی همان GLP-۱ و GIP که داروها تقلیدشان می‌کنند. بای‌پس معده بیشترین کاهش وزن، حدود ۳۳ درصد، و بهترین اثر روی دیابت را دارد. گاسترکتومی آستینی ساده‌تر است و حدود ۷۰ درصد جراحی‌ها را تشکیل می‌دهد، با کاهش وزن متوسط ۲۵ درصد.

داروها به ظاهر آسان و دوست‌داشتنی‌اند، بدون نیاز به تیغ و خونریزی. با این حال، کمی دنیای واقعی خشن است: تهوع، استفراغ و اسهال هم می‌تواند در کنار کاهش وزن بیاید، و بسیاری از مردم مصرف طولانی‌مدت آن‌ها را کنار می‌گذارند، به دلایل مختلفی از هزینه گرفته تا دسترسی. حتی کسانی که عاشق دارو هستند، برای حفظ نتیجه باید طولانی‌مدت مصرف کنند و شاید این خبر خوبی برای علاقه‌مندان به قرص‌های کوتاه‌مدت نباشد.

جراحی‌ها اما واقعاً وزن را پایین می‌آورند و اثراتشان پایدارتر است. یک مطالعه شش‌ساله نشان داده افرادی که جراحی کرده‌اند، کاهش وزن بیشتری داشته و مشکلات جدی سلامتی کمتری تجربه کرده‌اند، از حملات قلبی گرفته تا آسیب‌های چشمی دیابتی. برای کسانی که هم چاق و هم دیابتی‌اند، جراحی یک برتری واضح دارد و خطراتش حتی کمتر از جراحی تعویض مفصل ران است. جالب اینجاست که بسیاری از عمل‌شدگان کاهش وزن خود را تا یک دهه حفظ می‌کنند، انگار معده‌شان یک یادآور همیشگی است که «بس کن، دیگر کافی است».

البته، جراحی‌ها برگشت‌ناپذیرند، نیازمند تغییرات غذایی مادام‌العمر و کمی دوره نقاهت چند هفته‌ای هستند. اما اگر به دنبال یک راه سریع و مؤثر برای وزن کم کردن هستید، ارزشش را دارد. داروها و جراحی هر دو مسیرهای علمی و واقعی‌اند؛ یکی راحت‌تر و کم‌تهاجمی، دیگری پایدارتر و قوی‌تر. در نهایت، انتخاب بین دارو و جراحی مثل انتخاب بین دو سوپ خوشمزه است: یکی ساده و سبک، دیگری کمی سنگین ولی تأثیرگذار و ماندگار. برای هر کسی که می‌خواهد وزن کم کند، ترکیبی از دانش پزشکی، واقعیت‌های زندگی و کمی شوخ‌طبعی لازم است.

